

«نه به حجاب» یعنی نه به کل حکومت اسلامی

شهلا دانشفر، صفحه ۲



گزارشی از وضعیت کاری و معیشتی کارگران پشتیبانی پیمانکاران در نفت
منصور کارگر ارکان ثالث در نفت، صفحه ۵

دستمزد و بازی مسخره تشکلهای دست ساز حکومتی
شهلا دانشفر، صفحه ۳

تجمعات بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ده شهر و دو خبر دیگر صفحه ۱۰

بازنشستگان و ادامه یکشنبه های اعتراض
تجمع بازنشستگان شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز، صفحه ۷

نظاہرات گسترده مردم در زاهدان و چند شهر دیگر سیستان و بلوچستان صفحه ۸

تجمعات اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد اصفهان و دو خبر دیگر صفحه ۸

ادامه جدال جانانه علیه حکومت آپارتاید جنسی در دانشگاهها صفحه ۹

از مدیای اجتماعی:

اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر تهران در مخالفت با پوشش اجباری، نه به آپارتاید جنسیتی است،
ندای زنان ایران، صفحه ۱۰

بیانیه جمعی از فعالین جنبش زنان در حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر در برابر حجاب اجباری،
صفحه ۱۲

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، در خصوص کنش دانشجویان دانشگاه هنر
صفحه ۱۱

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت: حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر، صفحه ۱۲

دو اطلاعیه خبری از کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحات ۱۰ و ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۸۵

تیر ۱۴۰۲

۲۵ ژوئن ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

موثر بودن اعتراض از
جنس کف خیابون
یاشار سهندی، صفحه ۴

دو نوشته از اصغر کریمی
برگرفته از ژورنال صفحه ۶

تجمعات بازنشستگان
مخابرات در چندین شهر
صفحه ۷

تجمعات بازنشستگان
کشوری در چندین شهر
صفحه ۷

به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



حجاب نماد تبعیض و سرکوب‌های جنسیتی است. بیاید با حذف هرچه بیشتر آن از محیط جامعه، به یاری هم‌زمان و هم‌سنگرانمان در دانشگاه هنر تهران بشتابیم! در این بیانیه دانشجویان فراخوانشان را به بی‌حجابی سراسری تاکید کرده و مینویسند: "ما از شنبه ۲۶ فروردین به بی‌حجابی سراسری در سطح دانشگاه‌ها و جامعه، جواب محکمی به رادان داده‌ایم و اینبار هم پاسخ این جنایتکاران را محکم‌تر از قبل خواهیم داد."

با همین مضامین بیانیه‌هایی از سوی ۳۸ دانشگاه در حمایت از این اعتراضات انتشار پیدا کرد و کارزار "نه" شکل گرفت. و کارزار "نه" کارزار نه به جمهوری اسلامی و بساط آپارتاید جنسی آنست. و این کارزار یعنی کارزار تداوم انقلاب. البته حمایت‌ها و همبستگی‌ها دامنه‌اش از دانشگاه‌ها فراتر رفته و به سطوح دیگر جامعه کشیده شد. از جمله شورای بازنشستگان ایران، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌هایی اعتراضی از اعتراضات دانشجویان اعلام پشتیبانی کردند و ندای زنان ایران که یک پای مهم جنبش بیحجابی سراسری است با این اعتراضات اعلام پشتیبانی کرده است.

بیانیه ندای زنان بیان روشن جنبش بیحجابی سراسری است و در بخشی از آن چنین آمده است: "بی‌حجابی‌های سراسری به عنوان یک اعتراض اجتماعی شناخته شده و از دستاوردهای انقلاب ژینا می‌باشد، و همواره تلاش حاکمان در باز پس گرفتن آن به عنوان عقب راندن انقلاب زن زندگی آزادی، بوده است و زنان با پشتیبانی اجتماعی وسیع در برابر انواع سرکوب‌ها ایستاده‌اند و هرگز به عقب باز نمی‌گردند. پیام دانشجویان دانشگاه هنر، به صورت شفاف بیان کرده است: "بین ما و مسئولین دریایی از خون است." در سایه همبستگی سراسری پاسخ "نه" دانشجویان به کارزاری همگانی بدل شد که با حمایت همه جانبه مردم روبرو بوده است. ندای زنان ایران ضمن حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر و اعلام همبستگی با همه دانشگاه‌های سراسر کشور اعلام می‌کند همپای با انقلاب مهسا و دوشادوش جنبش دانشجویی و دیگر جنبشهای مطالباتی تا لغو همه قوانین زن ستیز و نابودی حاکمیت آپارتاید جنسیتی برای ساختن دنیای عاری از نابرابری و تبعیض دست از مبارزه نخواهیم کشید." در همین رابطه و در حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر در برابر حجاب اجباری در چهارم تیرماه بیانیه‌ای با لیست اولیه سی نفره منتشر شده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "حکومت اسلامی باید بداند که با پیاده سازی طرح‌های حجاب و عفاف در دانشگاه‌ها، نه تنها نمیتواند بیحجابی سراسری را مهار و انقلاب زنانه را خاموش کند، بلکه در متن انقلاب جاری، این طرح‌ها به تشدید و عمیق‌تر شدن جدال بین دانشجویان و کلیت جامعه با جمهوری اسلامی با کیفیت انقلابی منجر شده و اتفاقا خشم و اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر تهران و همسنگران آنها در دانشگاه‌های سراسر کشور و هم‌پیمانان آنها در کل جامعه را به نیروی هر چه بیشتر برای پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی، تبدیل می‌کند." در بخش پایانی این بیانیه ضمن حمایت قاطع از دانشجویان دانشگاه هنر امضا کنندگان آن بعنوان جمعی از فعالین حقوق زن و مدافعین انقلاب زن زندگی آزادی بر مبارزه با حجاب اجباری به عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های مبارزه با حکومت آپارتاید جنسی و مبارزه متحد علیه آن و علیه ستم جنسیتی تاکید کرده و مینویسند: "ما" نه" دانشجویان دانشگاه هنر را "نه" کل جامعه به کلیت جمهوری

«نه به حجاب» یعنی نه به کل حکومت اسلامی

شela دانشفر

حجاب و نیز با ممانعت ایجاد کردن در متروها در برابر ورود زنان بدون حجاب تلاش کرد با بیحجابی سراسری در جامعه مقابله کند. اما زنان و همه اقشار مردم مقابل این تعرضات جانانه ایستاده‌اند. با جمع شدن در مقابل مراکز پلمپ شده، بساط رقص مختلط برپا کردن، با کمک رسانی به صاحبان مغازه‌هایی که مورد تعرض سرکوبگران حکومت قرار گرفتند و با بیحجابی سراسری بصورت گروهی و اکت‌های اعتراضی بیحجاب در خیابانها صف قدرتمندی از همبستگی مبارزاتی را شکل داده و پاسخ محکمی به حکومت میدهند.

در ادامه این کشاکش هاست که در دو هفته اخیر شاهد جدالی سخت در دانشگاه هنر بر سر این موضوع و مقنعه اجباری هستیم. علیرغم سرکوبگریهای حکومت و دستگیریها و ورود نیروهای سرکوب به درون دانشگاه هنر و ضرب و شتم دانشجویان معترض این جدال ادامه یافت و اکنون اعتراض بر سر این موضوع کل دانشگاهها را در بر گرفته است. از جمله دانشگاهها در سطح سراسری از مبارزات همکلاسی‌های خود در دانشگاه هنر اعلام پشتیبانی کرده‌اند. در بیانیه‌ای در این رابطه جوهر این جدال بیان شده و از جمله چنین آمده است: "ما حکومتی را که طی تمام ۴۴ سال گذشته تلاش بر پادگان‌سازی از دانشگاه‌ها کرده، همچنان در خیال خام فتح سنگرهای مستحکم آزادی و برابری خواهی، یعنی دانشگاه‌ها، باقی خواهیم گذاشت. ما دانشجویان معترض، آزادی‌خواه، پیشرو و خواهان حقوق برابر برای تمام جنسیت‌ها و گرایش‌های جنسی در سراسر کشور، همچنین رو به تمام بخش‌های جامعه؛ از جمله زنان و جوانان مبارز، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران، کادر درمان، بازنشستگان و ... اعلام می‌کنیم که: حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی در دستان ماست.

انقلاب ژینا با قتل مهسا امینی بر سر حجاب فوران پیدا کرد و یک محور مهم این انقلاب دفاع از حقوق زن و بر زمین زدن حجاب پرچم جمهوری خونین حکومت اسلامی با شعار زن زندگی آزادی بود. یک پیشروی مهم این انقلاب فتح سنگر حجاب توسط مردم بعد از جدالی جانانه در ده ماهه اخیر است. این همان خاکریز اولی است که خود حکومت اعلام کرد که اگر فتح شود باقی خاکریزها را نیز از دست خواهند داد. به عبارتی جمع شدن بساط حجاب یک رکن مهم جمع شدن بساط آپارتاید جنسی در جامعه و زدن به ریشه‌های این حکومت است. برای همین حکومت اکنون در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی میکوشد تا جایی که میتواند جامعه را در این عرصه از نبرد عقب بزند تا سری بلند کند و بگوید که بر اوضاع بدرجه‌ای کنترل دارد. و این تلاشهای عبث حکومتی است که در سراسری سقوط قرار گرفته و به هر دری میزند.

از همین رو با کمی فرونشست اعتراضات در خیابانها جمهوری اسلامی با انواع و اقسام فشارها از جمله پلمپ کردن مغازه‌ها، رستورانها، کافه‌ها، کتاب‌فروشیها، مراکز خرید، و سینماها برای مقابله با ورود زنان بدون



کمپین #تابستان_سخت،
عمارت شاپوری شیراز



دستمزد و بازی مسخره تشکلهای حکومتی

شهلا دانشفر

روز ۳ تیر ایلنا خبرگزاری حکومتی طی خبری از قول یکسری از دارودسته های کانون عالی شوراهای اسلامی و خانه کارگر، این نهادهای دست ساز حکومتی و سرمدارنش همچون حسن حبیبی و غیره، از تصمیم آنان مبنی بر اعتراض به رد شکایت برای ابطال مصوبه دستمزد ۱۴۰۲ در "دیوان عدالت اداری" خبر داد. نهادهایی که خود یک پای سیرک مسخره سه جانبه گری حکومتیان در شوراییالی کار و تعرض به معیشت کارگران و کل جامعه هستند و همواره به عنوان بازوی سرکوب حکومت در جنبش کارگری نقش ایفا کرده اند.

به عبارتی این بازیها نشانه وحشت حکومت از سر بلند کردن اعتراضاتی گسترده تر و سراسری بر سر دستمزد در دل جامعه ای در تلاطم انقلابی، آنهم در آستانه سالگرد انقلاب ۷۰ است. در چنین شرایطی مزدوران خانه کارگر و شورای اسلامی پیشدستی کرده و با چنین هیاهویی میکوشند صف اعتراضات بر سر دستمزد را متفرق کنند. پرده اول این بازی شکایت به دیوان "عدالت اداری" بود. بر سر آن هیاهوها برپا شد و بالاخره مسعودی فر، معاون این دیوان، روز ۲۹ خرداد از رد این شکایت خبر داد. اعلام مهلتی بیست روزه برای اعتراض به این تصمیم پرده دوم این بازی ابلهانه است تا بلکه فرصتی بخرند.

این بازی تهوع آور کهنه، آنهم در شرایطی که کل جامعه فریادش از فقر و گرسنگی و

بی تامین بلند است، مکانی برای کارگران ندارد. جنبش کارگری منشور خواستههای حداقلی خود را دارد. منشوری که در آن حکم بر پایان دادن به صد سال بردگی و استثمار و توحش را داده و از حق داشتن یک زندگی انسانی سخن میگوید.

پاسخ حکومت سرمایه داری وحشی و رانت خوار جمهوری اسلامی، دارودسته های شورای اسلامی و خانه کارگر، اتحاد فشرده تر حول این منشور و اعتراضات و اعتصابات سراسری برای لغو مصوبه مزدی حکومت، جمع کردن بساط شوراییالی کار، تشکلهای دست ساز حکومتی و تداوم انقلاب است.

(مندرج در ژورنال شماره ۴۵۵)

بیحجابی سراسری و همه اتفاقاتی که در اعتراضات هر روزه مردمی شاهدش هستیم نشان میدهد که اعتراض علیه حجاب فقط محدود به دانشگاهها نیست. اعتراض بر سر این موضوع به معنای ارج گذاشتن به انقلاب زن زندگی آزادی است. به معنای تاکید بر تداوم انقلاب تا جمع کردن کل بساط آپارتاید جنسی حاکم و جهنم جمهوری اسلامی است. از همین رو لازمست که همه کارگران، همه معلمان، بازنشستگان، بخش های مختلف جامعه همه و همه محکم در کنار دانشجویان و زنان معترضی که در صف جلوی این اعتراضات هستند قرار گیرند و از این مبارزات به اشکال مختلف اعلام حمایت و پشتیبانی کنند و تعرضات حکومت بر سر حجاب را عقب بزنند. محکم و قاطع از بیحجابی سراسری اعلام حمایت کنیم. با اتحاد سراسری و با عزمی استوار به تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب، گرامیداشت یاد مهسا امینی این نماد انقلاب زن زندگی آزادی برویم و در صفی متحد تر گامی بزرگی برای پایان دادن به جهنم جمهوری اسلامی به جلو برداریم. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

«نه به حجاب» یعنی ...

از صفحه ۲

اسلامی می دانیم و عموم جامعه را به حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر تهران و تمامی دانشجویان فرامی خوانیم."

این چنین است که جامعه آتشین در مقابل تعرضات حکومت با پرچم حکومتی حجاب به مقابله برخاسته است. از سوی دیگر زاد روزهای جانباختگان انقلاب و قد علم کردن هر روز قدرتمند تر و سازمان یافته تر جنبش دادخواهی و اعتراضات بخش های مختلف کارگری علیه وضع بد معیشتی از جمله اعتراضات هر روزه بازنشستگان که خیابانها را به صحنه مبارزات خود تبدیل کرده و تاثیر مستقیم بر فضای سیاسی شهر ها دارند، همه و همه نشانگر فضای پر تلاطم جامعه در آستانه سالگرد انقلاب است. و بازمهم همانطور که اشاره شد یک مساله کلیدی و محوری این اعتراضات علیه تعرض به زن و مساله حجاب به عنوان یک رکن مهم پایه ای حکومت است. درود میگویم به دانشجویان دانشگاه هنر، درود میگویم به همه دانشجویان که یک سنگر مهم انقلاب هستند و درود میگویم به زنان شجاعی که چنین جسورانه ایستاده اند و بی حجابی گروهی آنها در خیابانها به یک شکل کوبنده اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. و درود به همه مردم که چنین متحد در مقابل حکومت ایستاده و بر تداوم انقلاب خود برای رهایی تاکید دارند.

بی حجابی سراسری جدال در دانشگاه هنر و دانشگاهها بر سر حجاب جدال همه مردم علیه بساط آپارتاید جنسی حاکم است که در پرتو آن چنین بربریت و توحشی را جمهوری اسلامی بر کل جامعه حاکم کرده است. در همین راستا دفاع از اعتراضات دانشجویان و زنان شجاع علیه حجاب و سرکوبگریهای حکومت به همه مردم به کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه مردمی که علیه جهنم جمهوری اسلامی به پا خاستند تا خود را از جهنم جمهوری اسلامی رها کنند مربوط است و باید وسیعا در این جدال شرکت و همراهی کرد.

پیامهای همبستگی از اعتراضات دانشجویان علیه حجاب، حمایتهای مردمی از

ماهواره پاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰

افا ای سی، ۷/۸

ماهواره بوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰

افا ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

موثر بودن اعتراض از جنس کف خیابون

یاشار سهندی

دغل بازی مزدوران سرمایه پایان ندارد. ایشان شکایت از داروغه نزد داروغه بردند، که به ما قول داده بودند مصوبه مزدی در صورت افزایش تورم اصلاح میشود و ما غفلت کردیم و آنرا امضا کردیم، لطفاً برای حفظ آبرو به شکایت ما ترتیب اثر دهید!" جناب داروغه چی، زد و برجک ایشان را تخریب کرده، تا حالی کند تاریخ مصرف تان رو به اتمام است. به گزارش اینلنا "هیات تخصصی بیمه و کار دیوان عدالت اداری، شکایت کارگران در مورد ابطال دستمزد ۱۴۰۲ را رد کرده است؛ ... با این حساب، فعلاً هیچ برنامه‌ای برای اصلاح حداقل دستمزد کارگران شاغل و بازنشسته در کار نیست."

حسن جیبی یکی از دغل بازان از جنس محبوب و حسن صادقی فرمودند: "نباید ناامید شد چون هنوز کار تمام نشده و می‌توان به رای صادره اعتراض کرد، هر چند بسیار بهتر بود که دیوان عدالت، شکایت کارگران را وارد می‌دانست و رای ابتدایی خود را مبنی بر ابطال دستمزد ۱۴۰۲ صادر می‌کرد چراکه این دستمزد هم غیرقانونی است و هم ناعادلانه." این جناب که میخواهد نشان دهد کم نمی‌آورد، بنا به گزارش اینلنا "در پایان خطاب به وزیر کار می‌گوید: لطفاً در اسرع وقت به وظایف قانونی خود عمل نمایید؛ در همین هفته، نشست شورایی عالی کار را برگزار و مزد را به اندازه تورم واقعی ترمیم کنید؛ نگذارید بار گناه قانون شکنی مزدی بر دوش تان بیفتد و کوله بار تان سنگین شود." جناب وزیر به آن دنیا اعتقاد دارد و از ترس آتش جهنم، شاید توبه کند و خواسته حسن جیبی بر برگزاری نشست شورای عالی کار (سرمایه) را عملی کند! ولی موضوع اینجاست: "مال دنیا چشم انسان را کور میکند!" جلب نظر سرمایه مهمتر از خدای صاحب بهشت و جهنم است. فعلاً تا اطلاع ثانوی تا همین هیزم جهنم سرمایه برای کارگر بهتر از وعده نسیه بهشت آخرت است.

از سوی دیگر، در هفته گذشته سید قاتلان، ابراهیم رئیسی برنامه هفتم توسعه را به مجلس برد و در برنامه ارائه شده به مجلس اسلامی مشخص شد که اعتراض بخوبی میتواند موثر باشد. در طرح اصلاح شده مواد مربوط به طرح استاد و شاگردی حذف شده است، اما هنوز دست اندازی به حق و حقوق کارگران در مورد بازنشستگی، و نیز حق بیمه کارگران به قوت خود در این طرح باقی است. با این حال اعتراض باید از جنس اعتراض کف خیابان باشد تا هارترین حکومتها مجبور شوند عقب نشینی کنند.

اعتراض از جنس مزدورانی مانند جنس جیبی و محبوب، اعتراض از سر اختلافات جناحی و کوتاه شدن دست ایشان از غارت است. یا اعتراضی از جنس اساتید اقتصاد، از جنس این که "حرف‌های کلی مانند توسعه بازار سرمایه چندان جواب نمی‌دهد، در برنامه باید بیان و تعیین شود که مثلاً فلان کار باید چگونه انجام شود، برنامه‌های پیشین نیز همه به همین شکل بوده‌اند و از همه مهم‌تر این است که هیچ‌یک از این برنامه‌ها مبنای منبع تأمین مالی مشخصی نداشتند... برنامه‌های تدوین شده در ایران نوعی آرزوهای مجریان مناسک برنامه‌نویسی در ایران است." این هم اعتراضی است اما اعتراض از سوی کسانی است که معتقدند یک مشت بی سواد فارغ التحصیل دانشگاه (!) امام صادق، بر دولت حاکم شده اند و باید کار را به دست کاردان سپرد. کسانی که خوب بلدند با پنبه سر ببرند. به اعتقاد ایشان: "در مورد برنامه بودن نیز باید بگویم که ویژگی برنامه این است که اولاً وقتی شما منابع محدود دارید باید آن را به صورت مشخص روی حوزه‌هایی از صنایع پیش‌برنده دیگر صنایع در کشور مصروف کنید و قرار دهید و مطمئن باشید اگر این صنعت فعال شود می‌تواند با خود صنایع دیگر را هم فعال کند." این حرفها را یکی از اساتید بی شمار اقتصاد، حسین راغفر می‌گوید که معتقد است برنامه هفتم "نولیبرالیسم عریان



است." (اینجا معلوم میشود در مکتب امام صادق هم بحث استعمار اولویت اول است نه نوع کیفیت آتش جهنم!) اما هدف نهایی در برنامه نویسی از سوی هر جناحی و باند سرمایه هدف اصلی شان از توسعه، تضمین سود سرمایه است. اعتراض استاد اقتصاد نیز از نگرانی اش نشأت می‌گیرد که برنامه‌ای مانند برنامه توسعه هفتم موجبات فراهم شدن شورش عظیم گرسنگان می‌شود.

طرح‌های توسعه در جمهوری اسلامی، طرح‌های از جنس یک رژیم متعارف سرمایه داری نیست که به قول استاد اقتصاد با برنامه در چند حوزه مشخص موجبات رشد و پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌آورد بلکه این عناوین اسم محترمانه تضمین سود سرمایه است. جمهوری غارت و چپاول اسلامی نه توانش را دارد، نه در بند آن است که به قوانین عرفی سرمایه داری تن بدهد. نیاز سرمایه به این حکومت نیز از این دست مطالبات نیست بلکه خواهان دیکتاتوری بسیار خشن این حکومت است که در ضمن که ایشان چپاول میکنند شرایطی هم فراهم شود که بهره‌کشی از انسانها فراهم و تضمین شده باشد. طرح و لوایحی که در این حکومت تنظیم میشود قوانینی صوری هستند، که به وقت اش هر بند قانونی که دست و پاگیر باشد بی هیچ نگرانی زیر پا گذاشته میشود. بنا به توصیه خامنه‌ای هر قانونی هم در جهت سرکوب و چپاول لازم باشد میتواند و باید فوراً تصویب شود. قانون توسعه هفتم هم چیزی در این حد است.

اما یک اتفاق مهم در این میان افتاده است. انقلاب زن زندگی آزادی به پشتوانه چهار دهه مبارزه بی وقفه علیه حکومت اسلامی پیش از پیش دست حکومت اسلامی را بسته است. به این معنا عقب نشینی حکومت اسلامی در طرح توسعه هفتم به یمن مبارزات جاری ممکن شده است. و در بطن همین مبارزات است که تلاشهای مضحک مزدوران سرمایه در تشکلات سیاه حکومتی ثمری ندارد جز بی آبروی بیش از پیش آنها. در یک ماه گذشته بار دیگر ثابت شد اعتراضی که هدف اش نه سود، بلکه رفاه اکثریت جامعه باشد موجبات تأمین نظر کارگران میشود. اعتراض باید از جنس این سخنان باشد: "...آیا میدانید برنامه لایحه هفتم توسعه تمام قد در خدمت اردوگاه سرمایه داری است؟ آیا میدانید برنامه هفتم توسعه، یک برنامه کاملاً ضد کارگری است؟..." که بازنشستگان بیان کرده اند؛ بی شک اعتراضات از این جنس، در بطن انقلاب است که عقب نشینی را به حکومت اسلامی تحمیل کرده است.

مزدوران سرمایه امیدوارند تا برنامه هفتم توسعه در مجلس اسلامی سرمایه "چکش کاری" شود. اما واقعیت این است با چکش مبارزات در کف خیابان است که میتوان و باید حکومت را وادار به تسلیم شدن کرد.

گزارشی از وضعیت کاری و معیشتی کارگران پشتیبانی پیمانکاران در نفت



منصور کارگر ارکان ثالث در نفت

صدای همیشه معترض کارگران پشتیبانی، پیمانکاران حوزه‌های نفت. صدایی که در صدای همیشه معترض کارگران پشتیبانی، پیمانکاران حوزه‌های نفت، صدایی که در پناه فضای پادگانی نفت و قوانین برده وار کاری همواره عقب زده شده است. در پروژه‌های تولیدی نفت و گاز، که فرصتی پایان ناپذیر برای زد و بند و غارت مدیریت فاسد حوزه‌های نفتی و پیمانکاران است، پیمانکاران از کارگرانی بهره می‌برند که بعنوان نیروهای پشتیبانی در موقعیت شغلی برابر با سایر ارکان شاغل در حوزه‌های نفتی از شرایط مزدی بسیار پایین تری برخوردارند. کارگرانی که هویت گم شده شغلی شان در لا به لای قوانین، برای پیمانکاران فرصتی ایجاد نموده تا در بالاترین درجه استثمار به بردگی کشیده شوند!

پرسنل اداری و ایمنی داخلی شرکتهای پیمانکاری، تدارکات، رانندگان، خدمات، آبدارچی و... بعنوان نیروهای پشتیبانی تحت قرارداد پیمانکاران، متحمل تبعیض آمیزترین شکل استخدام و بردگی مزدی اند و بدلیل بی هویتی شغلیشان در قوانین و پیمان نامه ها، در یک بی قانونی مطلق جنگلی کار میکنند و مورد ظلم و ستم دائمی پیمانکاران و سرکوب حراست حوزه‌های نفت قرار دارند!

این بخش از کارگران، با وجود اینکه بیمه پرداخت میکنند و بالطبع میبایست مشمول همان قوانین حداقلی قوانین کار باشند، با توجه به تفسیر بردار بودن این قوانین و شرایط تعریف نشده ای که دارند، مورد دست درازی و استثمار پیمانکاران بوده و بعضاً حداقل دستمزد مصوب اداره کار را هم دریافت نمیکنند. و یا با دستکاری پیمانکاران فرصت طلب در مرخصی های استحقاقی شان بیش از زمان تعریف شده در قوانین، به کار برده وار کشیده میشوند و اضافه کاری یا فوق العاده مزدی بابت ساعتها کار اضافی و شاق دریافت نمیکنند. ضمن اینکه بخاطر موقتی بودن قراردادهای امنیت شغلی هم ندارند و ناگزیر برای لقمه نانی خیلی اوقات از در افتادن با پیمانکاران و عوامل حراست حوزه‌های نفتی امتناع میکنند و شرایط آشکار بردگی مزدی را متحمل میشوند. شرایطی تحمیلی و سازمان یافته از بالا با ایجاد منافع پیمانکار و حمایت حراست سناریویی هماهنگ و در جریان که همه بخشهای کارگری را همواره تحت شرایط پادگانی و سرکوب قرار داده است.

همچنین عدم برخورداری از طرحهای همسان سازی مزدی، طبقه بندی مشاغل و سایر طرحهای نصفه و نیمه ای که سایر ارکان شغلی وزارت نفت از آن بهره میبرند و حداقل میتواند چندرغازی به حقوقشان اضافه شود نیز شامل این بخش از کارگران نمیشود. بعلاوه اینکه علیرغم پر مخاطره بودن حوزه های فعالیتشان و احتمال همیشگی بروز حوادث شغلی، از مزایای استفاده از بیمه های تکمیلی نیز محرومند. شرایط کار سخت در محیط های آلوده و پر خطر، کار در مناطق دور افتاده و دوری از خانواده و بهره مند نبودن از شرایط رفاهی، نداشتن تغذیه مناسب و آب قابل قبول، عدم برخورداری از خوابگاههای با کیفیت و امکانات بهداشتی و درمانی، عدم برخورداری از ساعات کار و مرخصی های تعریف شده و فشار سنگین کاری و تعرض هر روزه پیمانکاران به شرایط کار و معیشت این کارگران مشکلات دائمی آنهاست که فضای اعتراض در میان آنان را شدت داده است. بخاطر این مشکلات این کارگران مراجعات مکرری به مقامات مسئول داشته اند اما همواره با پاسخ های سربالا و توهین آمیز و تهدیدات حراست روبرو شده و این باعث شده که مورد شدیدترین استثمار توسط پیمانکاران مفتخور قرار گیرند. این کارگران یک بخش محروم از کارگران در نفت هستند که در وضع بسیار بد معیشتی و کاری بسر میبرند. شرایط تحمیل شده این چنینی بر این کارگران و دست بسته تقدیم کردنشان به

پیمانکاران از بدیهیات و شیوه های معمول طبقه سرمایه دار در استثمار طبقه کارگر است که از روزه قوانین برده داری چون قراردادهای پیمانی و موقت و قوانین ویژه مناطق اقتصادی و فضای امنیتی شدید در محیط های کار صورت می‌گیرد.

ترجیح حراست و مدیریت نفت همواره بر این اساس استوار بوده است که با بخش بخش کردن کارگران تحت عناوین مختلف استخدامی، در صفوف مبارزاتی کارگران شکاف و تفرقه ایجاد کند و اجازه ندهد که اعتراضاتی سراسری بر سر خواسته هایی سراسری در این مرکز کلیدی صنعتی شکل بگیرد.

به عبارت روشنتر حکومت اسلامی بدنال تجربه انقلاب ۵۷ و اعتصابات سراسری کارگران نفت که نقش تعیین کننده ای در سرنگونی حکومت شاه داشت، با دسته بندی ارکان نیروهای نفت از لحاظ استخدامی تلاش کرده تا بخشهای مختلف کارگران در حوزه های نفت و گاز و مراکز وابسته را با تعاریف مختلفی از نوع شغل و چارت سازمانی و شیوه استخدام جدا کند. و این جدا کردن باعث شده هر بخش با کارفرمایی و با خواسته های مشخص و بعضاً متفاوتی روبرو باشد. از جمله فقط بخاطر نوع استخدام در برابر کار مساوی فاصله مزدی بسیاری بین این بخش های مختلف کارگری در نفت وجود دارد و این تبعیض را در برخورداری از تسهیلات کاری و معیشتی کارگران نیز بوضوح میشود دید. در این میان کارگران پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری از جمله ضعیف ترین و محرومترین بخش از کارگران در بدنه صنعت نفت را شامل میشوند.

این وضعیت و نقشه مهندسی شده حکومت در قبال نفت بر تفرقه در صفوف مبارزاتی کارگران دامن زده و در شکل گیری سراسری اعتصابات کارگری بعنوان یک مانع عمل کرده است. اعتراضات چند ساله اخیر و اعتصابات با شرکت هزاران کارگر پیمانی در مناطق مختلف نفتی نشانه عبور کارگران از این ساختارها و شکستن دیوارهای پادگانی نفت و رفتن به سوی اعتصابات سراسری است. از همین رو امروز سر بلند کردن کارگران نفت به شکل اعتصابات سراسری به یک کابوس بزرگ حکومت اسلامی تبدیل شده است. و این خود به یک کابوس بزرگ حکومت اسلامی تبدیل شده است. بویژه زمزمه های اعتراض در میان بخش های مختلف نفت و گاز بسیار است. این کارگران اعتراضات و خواستهایی دارند که بستر ساز اعتراضات سراسری در نفت است. برچیده بساط پیمانکاران مفتخور، لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی، پایان دادن به دزدی ها و اختلاسها، بهبود وضع کاری و معیشتی کارگران در سطح قابل قبول و افزایش حقوقها در حد داشتن یک زندگی انسانی، درمان رایگان برای همه کارگران و پایان دادن به فضای امنیتی محیط های کار خواسته های سراسری همه کارگران شاغل در نفت است که میتواند مبارزات این کارگران را سراسری به هم پیوند دهد. یک قدم مهم برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری متحد شدن حول خواسته های مشترک است. پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری.

خیزش‌های زنجیره‌ای از ۷۸ تا ۱۴۰۲ -

اصغر کریمی

معاون وزیر کشور در جلسه‌ای با حضور برخی مسئولین نظام گفته است:

“میزان خطر را احساس کردید که اگر محرم صفر تمام بشه و ما از زیارت اربعین که ۱۵ شهریوره عبور بکنیم، بازگشایی دانشگاه‌ها، مدارس، سالگرد اغتشاشات یه دفعه وارد یه معرکه جدیدی میشیم، می‌کشونن ما رو می‌برن ما رو به سمتی که شما دیگه اولویت انتخابات نخواهد بود. درگیر می‌شیم، ذهنمون، فکرمون و نمی‌دونم شاید کف خیابون. هیچ خجالت هم نباید کشید مسئولیت سنگینی به عهده داریم، در ساعت صفر یه جایی گرفتار می‌شیم، بعد اون موقع دیره...”

سه ماه مانده به شروع سال تحصیلی جدید و سالروز انقلاب زن زندگی آزادی کابوس مقامات شروع شده است. زنان خاکریز حجاب را فتح کردند، مراسم‌های سالروز تولد جانباختگان و جنبش دادخواهان وسعت گرفته است، می‌خواهند نان و بنزین را گرانتر کنند اما می‌ترسند، دانشگاه‌ها و مدارس باز میشوند و می‌ترسند، سالروز انقلاب و قتل مهسا فراهی میرسد و می‌ترسند، در واقع از همه چیز می‌ترسند. حاکمان در سرزمینی حکومت میکنند که از همه چیز و همه کس حتی از خودی‌هایشان می‌ترسند.

زنجیره خیزش‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶، ۹۷ و آبان و دی ۹۸ ضربات محکمی به حکومت زد، صفوفش را متزلزل‌تر و ریزش صفوفش را تشدید کرد، وجهه بین‌المللی‌اش را بیشتر تخریب کرد و در عوض مردم را متشکل‌تر نمود و امید و اعتماد بنفس‌شان را بالا برد. یکی از فرماندهان سپاه در جلسه با خامنه‌ای گفته بود حتی اگر اینبار موفق به سرکوب شویم موج بعدی بدتر خواهد بود. یعنی همه میدانند که اوضاع آرام نخواهد شد. این مثل خوره به جان حکومتیان افتاده است.

اما “حتی اگر اینبار موفق به سرکوب شویم” عملی نشد. تسخیر خاکریز حجاب



بارزترین نمونه آنست. این مردم بودند که گشت ارشادشان را توی سوراخ کردند، مقامات بالای حکومت بودند که گفتند بی حجابی جرم است اما تعداد بی حجابان زیاد است و نمیتوانیم همه را دستگیر کنیم و این ارگانهای بالای نظام بودند که طرح‌های جدید آوردند و گفتند بی حجابی جرم نیست. عجز و ناله فرماندهان سپاه که گفتند صفوفمان ریزش کرده و بسیاری از نیروهای ما از نظام عبور کرده‌اند، شاخص مهم این دوره است.

خودمان را آماده کنیم. محور این آمادگی سازماندهی است. ایجاد جمع‌های مختلف در سراسر کشور و در میان همه مردم است. انقلاب ادامه دارد و موج‌های بعدی آن در راه است. جوانه‌های سازماندهی در چنین شرایطی بسرعت نیرو خواهد گرفت. گسترش شبکه‌های دادخواهی نمونه‌ای روشن از زمینه آماده برای سازماندهی است. همه جا دست بکار شویم.

(مندرج در ژورنال شماره ۴۵۳)

کابوس پایان‌ناپذیر حکومت - اصغر کریمی

رسانه‌های حکومتی: روز ۲۵ خرداد نشست مشترکی میان وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه با حضور وزیر کشور و تعداد دیگری از مقامات حکومت “به منظور هم‌افزایی و هم‌گرایی بین این دو نهاد در مقابله با توطئه‌های دشمنان” برگزار شد. ایجاد امنیت پایدار، وحدت در مقابله با برنامه‌ریزی منسجم و گسترده دشمنان نظام و رسیدن به شناخت واحد، نکات مورد تاکید سخنرانان این نشست بود.

نفس اینکه یک حکومت مدام باید برای مقابله با اعتراضات و توطئه‌های “دشمنان” جلسه بگیرد و این مهمترین مشغله مقاماتش باشد، یک جامعه بپاخاسته را نشان میدهد که قصد کوتاه آمدن ندارد. همین روزها مدیر حوزه‌های علمیه گفته است که بسیاری از سنگرها را از دست دادیم و یک روحانی حکومتی ضمن توضیح مشاهداتش از بی‌حجابی سراسری، حتی در میان خانواده‌های “ارزشی”، میگوید “این نسل با هیچکس سر شوخی ندارد و بسیار مصمم است”.

نکته قابل توجه دیگر در این نشست، وجود شکاف در میان ارگانهای اطلاعاتی است که قرار است “امنیت پایدار” ایجاد کنند. شکاف چنان جدی است که رئیس سازمان اطلاعات سپاه، برخی از مسئولین دستگاه‌های امنیتی را تهدید میکند که “هر گامی در جهت تضعیف انسجام دستگاه امنیت برداشته شود، اگر خدایی نکرده آگاهانه باشد، آگاهانه و اگر ناآگاهانه باشد، غفلتاً جا پای دشمن گذاشته‌ایم”. اما شاید خودشان هم بدانند که ناهماهنگی و عدم نگاه یکسان در بالاترین سطح نهادهای امنیتی با تهدید یکدیگر رفع نمیشود. این ناشی از بحران حل‌نشده اقتصادی و سیاسی و خیزش‌هایی است که دست از سر حکومت برنمیدارد. اینرا



فرماندهان سپاه در نشست با خامنه‌ای به صراحت بیان کردند. رئیس شورای هماهنگی اطلاعات در این نشست گفت: “اگر دو دستگاه اطلاعاتی بتوانند در تمام زمینه‌ها به یک انسجام واحدی برسند، قطعاً در تحقق ایران قوی، مهار تورم، رشد تولید و ایجاد امید و نشاط در کشور و آنچه حکمرانی برای ارتقاء قدرت خودش به آن نیاز دارد، موفقیت‌های بیشتری حاصل خواهد شد”. یعنی قرار است دستگاه‌های امنیتی متحد شوند تا تولید رشد کند! تورم مهار شود! و قدرت نظام ارتقا پیدا کند! عبارتی بحران اقتصادی و سیاسی که منشأ خیزش‌ها و اعتراضات در طول ۴۴ سال گذشته است و موجب عدم امنیت نظام شده حالا قرار است اول امنیت نظام حل و فصل شود تا بحران اقتصادی و تورم و تولید هم درست شود!

در همین یک جمله هزار حکم احمقانه وجود دارد اما یک نکته واقعی است و آن اینکه امروز انقلاب جاری مساله‌گرهی هم برای حکومت و هم برای مردم است.

مندرج در ژورنال شماره ۴۵۵



مردم".

افزایش حقوقها به بالای خط فقر که اکنون از رقم ۳۰ میلیون گذشته است، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستههای مشترک همه بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ خرداد ۱۴۰۲، ۱۹ ژوئن ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

امروز ۲۹ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های قبل در اعتراض به فقر و گرانی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" و نیز برای پیگیری مطالباتشان، مقابل ساختمانهای شرکت مخابرات در شهرهای مختلف تجمع کردند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهایی چون شهرکرد، اراک، مشهد، بندرعباس، هرمزگان، ایلام، ارومیه، رشت، اهواز، برپا شده است. برنامه حکومتی موسوم به برنامه هفتم توسعه نیز که تعرضی به زندگی و معیشت همه کارگران و همه مردم است موضوع دیگر اعتراض بازنشستگان است. بازنشستگان صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند و نقش مهمی در فعال نگاهداشتن فضای اعتراضی دارند.

روز گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی نیز در اهواز تجمع داشتند. در تجمعات امروز، بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "وزیر بی لیاقت! استعفا استعفا!"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "اجرای آئین نامه حق مسلم ماست"، "سهامداران عمده قانون نمی پذیرند"، و "گرانی، تورم، بالای جان

تجمعات بازنشستگان کشوری در چندین شهر

روز چهارشنبه ۳۱ خرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در مقابل صندوق بازنشستگی در چندین شهر تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اردبیل، شیراز و یزد علیه فقر و گرانی و بی تامینی و اختلاسهای و دزدیها صورت گرفت. در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، نه وعده، نه بازی، اجرای همسان سازی، "گرانی، تورم، بالای جان مردم".

اعتراضات در میان بخشهای مختلف بازنشستگان گسترده است. در این هفته بازنشستگان تامین اجتماعی در ۲۹ خرداد در اهواز و در ۲۸ خرداد در چهار شهر شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز و نیز بازنشستگان مخابرات در ده شهر در روز دوشنبه تجمع داشتند. بدین ترتیب بازنشستگان خیابانها را به صحنه اعتراض خود در آورده اند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر که اکنون از رقم ۳۰ میلیون گذشته است، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستههای مشترک تمامی بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۲، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳



بازنشستگان و ادامه یکشنبه های اعتراض

تجمع بازنشستگان شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز

امروز ۲۸ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهایی چون شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز همچون یکشنبه های گذشته در اعتراض به گرانی و بی تامینی و تعرضات معیشتی حکومت همچون برنامه توسعه هفتم و مصوبه مزدی شورای عالی کار و نیز برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع و اعتراض زدند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر که به گفته خود حکومتیان در تهران به ۳۰ میلیون رسیده و درمان رایگان که در همین اعتراضات بر بنرهایشان نقش بسته است، دو خواسته مهم آنهاست.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "تورم گرانی بالای جان مردم"، "افزایش دستمزد طبق تورم"، "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "حقوق بازنشسته فقط برای یه هفته"، "تنگ ما ننگ ما صدواوسیمای ما"، "یخچال بازنشسته خالیتر از گذشته"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "نه وعده، نه بازی، اجرای همسان سازی"، و "بازنشسته بیداره، ازتهدید بیزاره".

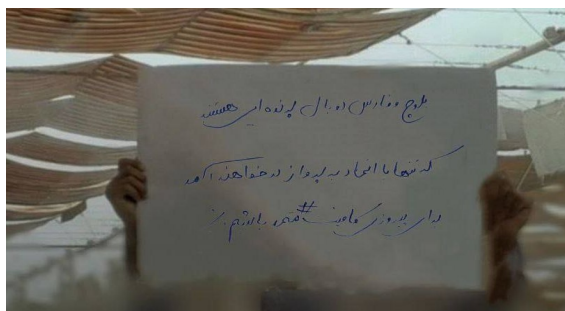
در اهواز بازنشستگان در میدان کارگر روبروی سازمان تامین اجتماعی تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند.

خواستههای مشترکی اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان را به هم و به اعتراضات کل جامعه پیوند میدهد. این اعتراضات علیه فقر و فساد و بی تامینی، تبعیض ها و نابرابریها، سرکوبگریهای حکومت و کل بساط دزد سالار حاکم است. اشاره کنیم که بازنشستگان کشوری نیز برای ساعت ده صبح روز ۳۱ خرداد به تجمع در محل صندوق بازنشستگی کشوری فراخوان به تجمع داده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ خرداد ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳

تظاهرات گسترده مردم در زاهدان و چند شهر دیگر سیستان و بلوچستان



سمت دزآب گسیل داشت. در زاهدان نیز نیروهای نظامی بصورت گسترده در سطح شهر و فلکه خیام خیابان غدیر استقرار داشتند. از جمله نیروهای امنیتی و نظامی با ده ها خودرو و شخصی که اکثرا سمند سفید رنگ بودند اقدام به بازداشت بسیاری از شهروندان در خیابانهای غدیر، مدنی، توحید، خیام و مدرس در محدوده مسجد مکی و مصلی کردند. امروز همچنین نیروهای امنیتی و نظامی در شهرهای راسک، خاش، سراوان، و ... حضور پر رنگی داشتند و در همه معابر ورودی و خروجی ها مستقر بودند.

خبرها همچنین حاکی است که در گرمای بالای ۴۵ درجه شهرهای بلوچستان و مناطق بلوچنشین زاهدان و شهرستانهای خاش، ایرانشهر و شهرهای دیگری، آب و برق به صورت گسترده قطع شده و جان مردم به خطر افتاده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ تیر ۱۴۰۲، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

امروز دوم تیرماه مردم در شهر زاهدان علیرغم فضای امنیتی حاکم در این شهر و استقرار نیروی سرکوب بسیار در شهر، در سی و هشتمین هفته اعتراضاتشان و علیه سرکوبگری های حکومت و در ادامه انقلاب زن، زندگی، آزادی تظاهرات بزرگی بر پا داشتند. در این روز علاوه بر زاهدان شهرهای دیگر استان سیستان و بلوچستان از جمله در خاش، راسک، سوران، ایرانشهر، چابهار و روستای جکیگور نیز صحنه اعتراضات مردم بود. در این اعتراضات مردم شعار میدادند: "کرد و بلوچ، ترک و عرب، اتحاد اتحاد"، "سیستم قاتل نمی خوایم، رهبر قاتل نمی خوایم"، "قسم به خون باران ایستاده ایم تا پایان"، "زاهدان ایستاده تا پایان"، "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر بسیجی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "تجاوز جنایت مرگ بر این ولایت"، "تجاوز جنیت لعنت به این حکومت"، "ایرانی، اتحاد، انقلاب، آزادی"، و "مرگ بر خامنه ای".

بعلاوه مردم در این تجمعات با در دست داشتن نوشته هایی صدای اعتراضشان را بلند کردند. دست نوشته های قابل توجه عبارتند بودند از: "ملتهای غیر فارس مستحق تحصیل به زبان مادری، داشتن احزاب سیاسی مستقل و تعیین سرنوشت برای آینده خود می باشند"، "نه شیخ نه شاه"، "بلوچ و فارس دو بال پرنده ای هستند که تنها با اتحاد به پرواز خواهند آمد".

در راسک مردم با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی خواستار مجازات عاملان و آمران کشتار مردم در جمعه های خونین زاهدان و خاش شدند. بنا بر خبرها در ایرانشهر مامورین امنیتی حکومت با مردم معترض درگیر شدند. طبق گزارشات، حکومت امروز شمار زیادی از خودروهای نظامی و نیروهای سرکوب به

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و

فولاد اصفهان و دو خبر دیگر



اعتراض علیه فقر و گرانی، وضع بد معیشتی و بی تامينی، محرومیت از درمان رایگان، دزدی ها و اختلاسها، امنیتی شدن اعتراضات، اعتراض به مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شورای عالی کار از جمله موضوعات مشترک اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان است. در این روز علاوه بر بازنشستگان شماری از کارکنان تعاونی های سهام عدالت از شهرستان های مختلف کشور در مقابل ساختمان کانون شرکت های سرمایه گذاری سهام عدالت در تهران، دست به تجمع زدند. این تجمع در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات مزدی کارگران برگزار شد. روز گذشته سوم تیرماه نیز سرایداران و خدمتگزاران آموزش و پرورش از سراسر کشور با برپایی تجمعاتی مقابل سازمان استخدامی کشور و آموزش و پرورش، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. اعتراض تجمع کنندگان به سطح پایین حقوقها و تبعیض بین آنها و بقیه کارمندان، و وضع بد معیشتی شان بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ خرداد ۱۴۰۲، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد اصفهان و دو خبر دیگر اعتراضات بازنشستگان در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد. امروز ۴ تیرماه بازنشستگان تامین اجتماعی با فراخوانی از قبل اعلام شده و در ادامه یکشنبه های اعتراض در چندین شهر مقابل تامین اجتماعی تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، رشت، کرمانشاه، شوشتر و اهواز برگزار شد. در شوش بازنشستگان تامین اجتماعی در حالیکه شعارهای اعتراضی خود را سر میدادند از درب ورودی تامین اجتماعی بطرف اداره کار راهپیمایی کردند. و در آنجا با اعلام اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار پیگیر خواسته های اعلام شده خود شدند. تجمعات بازنشستگان در شهرهای جنوب ایران در حالی برگزار شد که دمای هوا بالای ۴۵ درجه و بسیار طاقت فرسا بود.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد!"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "تورم اسفبار حاکم شده تو بازار"، "نگ ما ننگ ما، وزیر الدنگ ما".

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند و خواهان دسترسی به درمان و معیشت مناسب شدند.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



ادامه جدال جانانه علیه حکومت آپارتاید جنسی در دانشگاهها

۱۰ روز از شدت یابی جدال در دانشگاه هنر تهران بر سر تحمیل حجاب و گسترش این تقابل به سایر دانشگاهها میگذرد و این جنگ با شدت ادامه دارد. دانشگاهها به صحنه جدال سخت دانشجویان علیه تهاجم حکومت اسلامی برای بازپس گرفتن سنگر فتح شده حجاب از جامعه تبدیل شده اند. شروع این جنگ از روز چهارشنبه ۲۴ خرداد و در جریان تداوم سرکوبگری های حکومت در رابطه با مساله حجاب و اجباری اعلام کردن پوشیدن مقنعه در دانشگاه هنر و حمله به دانشجویان به خاطر تن ندادن به این اجبار و حضور بیحجاب در دانشگاه آغاز شد. این دانشجویان در اعتراض به این تعرضات تحصنی را شکل دادند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان معترض مورد حمله وحشیانه حراست قرار گرفتند. به دانشجویان متحصن اجازه خروج داده نشد و از رساندن آب و غذا به آنها ممانعت شد. نیروی سرکوب دانشجویان را مورد حمله و ضرب و شتم قرار داد و تعدادی هم دستگیر شدند. اما اعتراضات گسترش یافت. همه دانشجویان این دانشگاه از تحصن همکلاسی های خود حمایت کردند و در کنار آنها ایستادند. همزمان بیانیه ای از سوی جمعی از دانشجویان این دانشگاه منتشر شد که در آن چنین آمده است: "پس از تاکید دوباره تان بر آپارتاید جنسیتی و الزام حضور در دانشگاه با مقنعه، پس از بستن آب و خشونت بر دوستانمان که تنها در جهت برابری در پردیس باغ ملی تحصن کرده بودند، ما هم دوباره تاکید می کنیم که چیزی به عقب برنمی گردد. این آسمان حتی بعد از تمام ستارههایی که هرروز به زمین کشیده اید، هنوز غرق ستارهست. از زخمی که شهریور دهن باز کرد هنوز خون می چکد. و ما ایستاده ایم، دست در دست هم، برای آزادی".

عنوان "پوشش اجباری به ضرب سرکوب"، از دانشجویان حمایت کرده و حمله و تعرض به دانشجویان را بخاطر حجاب محکوم کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "حاکمیت جمهوری اسلامی از آغاز تاسیس در پی اعمال سلیقه‌ی قشری-ایدئولوژیک خود، یک دست‌ساز فرهنگی و سبک زندگی تک‌سنگ‌وار بوده است و با دست و دل بازی هزینه‌های هنگفتی در این راه صرف کرده و آسیب‌های جبران ناپذیری بر مردم به‌جان‌آمده وارد آورده است. چنان‌که پیداست، با وجود اعتراضات فراگیر به برخوردهای خشونت آمیز با پوشش آزادانه و انتخابی پس از کشته‌شدن مهسا (ژینا) امینی، هم‌چنان به روش‌های گوناگون مانند پلمب مراکز خرید، کتاب‌فروشی‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها، دخالت ماموران حکومتی به نام «آمران به معروف» (در مترو و مکان‌های عمومی در لباس "مردم"، استفاده از تابلوهای شهر برای تبلیغ پوشش مطابق با ذهنیت استبدادی و یکسان‌سازانه‌ی خود می‌کوشد از خواست به‌حق آزادی بی‌قیدوشرط پوشش جلوگیری کند و اگر کسی "ناهنجاری" کرد "به حکم قانون گردنش را بشکند". پیام صریح و روشن این رفتارهای خشونت‌آمیز جز این نیست: هر حرکت آزادی‌خواهانه را بی‌درنگ سرکوب می‌کنیم! هر صدای مخالف را ساکت می‌کنیم مگر آن‌که در چهارچوب‌های عقیدتی ما و از مجرای رسانه‌های ما بیرون آید. شک نیست که مسئولیت هرگونه آسیب به دانشجویان و همه‌ی کسانی که در پی اعتراض به آزادی‌کشی و بیان به‌حق خواسته‌ی خود با سرکوب و خشونت عریان روبه‌رو می‌شوند متوجه آمران و عاملان این سرکوب‌هاست". هم‌چنین شورای بازنشستگان در بیانیه ای تحت عنوان "در حمایت از مبارزه دانشجویان سراسر کشور همصدا ایستاده ایم!" با دانشجویان در دانشگاه‌ها اعلام همبستگی کرده است. نهاد زنان کردستان علیه تبعیض جنسیتی نیز در همین رابطه بیانیه داده و مینویسد: "راه نجات ما از این رژیم سرکوبگر و اسلامی بازگشتن به خیابانهاست و تنها در کف خیابان میتوانیم حق خود را بگیریم". ندای زنان ایران نیز با بازتاب هر روزه اخبار این اعتراضات و اعتراضات اجتماعی علیه حجاب به صدای اعتراض مردمی تبدیل شده است.

این جنگ فقط با دانشجویان و تنها بر سر حجاب نیست. این تهاجمی علیه کل جامعه و مردم است و جدال دانشجویان هم‌چنانکه خود اعلام کرده اند دفاع از آزادی و از انقلاب است. ما مردم میتوانیم و باید در کنار دانشجویان از سنگر آزادی قاطعانه دفاع کنیم و اجازه ندهیم که حاکمان متحجر و جنایتکار دانشجویان ما را مورد تعرض قرار دهند. حزب کمونیست کارگری به دانشجویان هنر و همه دانشجویان درود می‌فرستد و همه مردم را فرا میخواند که فعال و قاطع از دانشجویان و آزادی پوشش دفاع کنند. میتوانیم حکومت منفور اسلامی را یک بار دیگر دست در دست هم عقب برانیم. حزب همه زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه مردم را به پیوستن به صف همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر و فراخوان دانشجویان به بی‌حجابی سراسری فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۲، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳

موجی از حمایت و همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر به جریان افتاد و توجه کل جامعه به این کشاکش جلب شد. از جمله در بیست و ششم خردادماه دانشجویان سراسر کشور طی بیانیه ای حمایت خود را از اعتراضات جانانه دانشجویان در دانشگاه هنر اعلام کردند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "دخالت مسئولین دانشگاهها در شخصی‌ترین امور ما دانشجویان نظیر پوشش‌مان، دیگر پس از آغاز "انقلاب زن زندگی آزادی"، عقب زده شده و اجازه نمی‌دهیم که دوباره آنرا به ما تحمیل کنند... ما حکومتی را که طی تمام ۴۴ سال گذشته تلاش بر پادگان‌سازی از دانشگاه‌ها کرده، هم‌چنان در خیال خام فتح سنگرهای مستحکم آزادی و برابری خواهی، یعنی دانشگاه‌ها، باقی خواهیم گذاشت. ما دانشجویان معترض، آزادی‌خواه، پیشرو و خواهان حقوق برابر برای تمام جنسیت‌ها و گرایش‌های جنسی در سراسر کشور، هم‌چنین رو به تمام بخش‌های جامعه؛ از جمله زنان و جوانان مبارز، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران، کادر درمان، بازنشستگان و ... اعلام می‌کنیم که: حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی در دستان ماست. حجاب نماد تبعیض و سرکوب‌های جنسیتی است. بیایید با حذف هرچه بیشتر آن از محیط جامعه، به یاری هم‌زمان و هم‌سنگرمانان در دانشگاه هنر تهران بشتابیم!". در آخر این بیانیه با فراخوان به بی‌حجابی سراسری اعلام میدارد: "از شنبه ۲۶ فروردین به بی‌حجابی سراسری در سطح دانشگاه‌ها و جامعه، جواب محکمی به رادان داده‌ایم و اینبار هم پاسخ این جنایتکاران را محکم‌تر از قبل خواهیم داد". این همبستگی‌ها ادامه یافته و تا کنون ۲۸ دانشگاه از اعتراضات دانشجویان دانشگاه هنر از دانشگاه‌های مختلفی از تهران و شهرهایی چون مشهد، بجنورد، سبزوار، همدان، تبریز، اصفهان، شیراز، زنجان و دانشگاه‌های مازندران طی بیانیه‌هایی از دانشجویان هنر شیراز اعلام پشتیبانی کرده اند. هم‌چنین کانون نویسندگان ایران طی بیانیه ای تحت

اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر تهران در مخالفت با پوشش اجباری، #نه به آپارتاید جنسیتی است

بیش از چهل سال است که قوانین و ساختار ضد زن حاکم تلاش کرده مبارزات زنان را برای داشتن هویت انسانی به شکست بکشاند و صدای برابری خواهی زنان را خاموش سازد.

ولی خیزش مهسا با شعار کلیدی #زن_زندگی_آزادی نشان داد که تمام سیاستهای آپارتایدی حاکم نه تنها نتوانسته زنان را به عقب براند بلکه امروز همه مردم دست در دست هم برابری را فریاد می زنند و آزادی زنان به خواست همگانی بدل شده است.

ایستادگی و مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر در برابر زورگوی یهای سرکوب گران مورد حمایت دیگر دانشگاهها و همه مردم قرار گرفته و نشان داد که انقلابی که با مرگ #مهسا امینی شعله ور شد دیگر آپارتاید و ستم بر زنان را بر نمی تابد.

بی حجابی های سراسری به عنوان یک اعتراض اجتماعی شناخته شده و از دستاوردهای انقلاب ژینا می باشد، و همواره تلاش حاکمان در باز پس گرفتن آن به عنوان عقب راندن انقلاب زن زندگی آزادی، بوده است و زنان با پشتیبانی اجتماعی وسیع در برابر انواع سرکوبها ایستاده اند و هرگز به عقب باز نمیگردند.

پیام دانشجویان دانشگاه هنر، به صورت شفاف بیان کرده است: "بین ما و مسولین دریایی از خون است".

در سایه همبستگی سراسری پاسخ " نه " دانشجویان به کارزاری همگانی بدل شد که با حمایت همه جانبه مردم روبرو بوده است.

ندای زنان ایران ضمن حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر و اعلام همبستگی با همه دانشگاههای سراسر کشور اعلام می کنیم همپای با انقلاب مهسا و دوشادوش



نه
به آپارتاید جنسیتی

اعلام همبستگی "ندای زنان ایران"
با دانشجویان "دانشگاه هنر"



ندای زنان ایران

جنش دانشجویی و دیگر جنبشهای مطالباتی تا لغو همه قوانین زن ستیز و نابودی حاکمیت آپارتاید جنسیتی برای ساختن دنیای عاری از نابرابری و تبعیض دست از مبارزه نخواهیم کشید.

#ایستاده_ایم_تا_پایان #زن_زندگی_آزادی.

ندای زنان ایران، تیر ۱۴۰۲ برگرفته از مدیای اجتماعی

تجمعات بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ده شهر و دو خبر دیگر

در ادامه اعتراضات هر روزه بخشهای مختلف بازنشستگان، امروز پنجم تیرماه بازنشستگان مخابرات نیز در چندین شهر دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در ادامه دوشنبه های اعتراض علیه فقر و گرانی و بی تامینی و برای پیگیری مطالبات، در مقابل ادارات مخابرات انجام شد. بازنشستگان مخابرات از جمله در شهرهای ایلام، هرمزگان، خرم آباد، اراک، ساری، سنندج، اصفهان و شهر کرد برگزار گردید. در این تجمعات تجمع کنندگان خطاب به مسولین اعلام داشتند که تا وقتی به خواستهایشان پاسخ داده نشود و به حق و حقوق خود نرسند به تجمعاتشان ادامه خواهند داد. بازنشستگان مخابرات از جمله به اجرای کامل آئین نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی اعتراض دارند و بر افزایش حقوق ها به بالای خط فقر که امروز رقم آن حداقل ۳۰ میلیون تومان است و درمان رایگان تاکید میکنند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "وعده و وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "مدیر بی لیاقت استعفا استعفا"، "از بس دروغ شنیدیم، یک روز خوش ندیدیم. در اهواز بازنشستگان مخابرات با شعار بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد در سطح شهر راهپیمایی کردند و خیابان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

در این روز همچنین کارگران رسمی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در خصوص عدم اجرای دقیق بازننگری طرح طبقه بندی مشاغل و سطح نازل حقوقهایشان تجمع داشتند.

همچنین روز گذشته چهارم تیرماه معلمان بازنشسته در یزد در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها در حد قابل قبول و درمان رایگان و دیگر مطالباتشان دست به تجمع زدند. یک شعار اعتراض معلمان

بازداشت محمود ملاکی در بوشهر



بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز یکشنبه ۴ تیر، محمود ملاکی عضو هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان بوشهر که برای پیگیری وسایل ضبط شده ی خود به دادگستری این شهر

مراجعه کرده بود، بازداشت شد. محمود ملاکی از معلمان معترض شناخته شده در بوشهر است که بارها توسط هیات تخلفات اداری، نیروهای امنیتی و نهادهای قضایی تحت فشار قرار گرفته است. محمود ملاکی و تمامی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. با اعتراضات گسترده سراسری باید پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت داد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۴ تیر ۱۴۰۲

بازنشسته در تجمعاتشان آزادی معلمان زندانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیر ۱۴۰۲، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳



از دانشجویان دانشگاه هنر حمایت می‌کنیم بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در خصوص کنش دانشجویان دانشگاه هنر

نوع اهرم فشار بر نهادهای دانشگاهی و دانشجویان پیشرو، نتیجه‌ای جز تزلزل در پایه‌های حاکمیت نخواهد داشت. این را می‌توان به‌وضوح از بیانیه قاطع دانشجویان این دانشگاه دریافت.

در این میان همراهی بسیاری از دانشگاه‌های کشور با این بیانیه پاسخی قاطع به رفتار غیرمستولانه حاکمیت است تا سیاست چوب و هویج را کنار نهد و بیش از این بر خشم جامعه و فاصله آن از حاکمیت دامن نزند چراکه خوب می‌دانید قدرت واقعی از آن مردم است، مردمی که در طول تاریخ بر همگان ثابت کردند که تا پای جان بر خواسته‌های به‌گ‌حق خویش مداومت و مقاومت می‌ورزند و با تمام وجود هم ایستاده‌اند، پس بیش ازین با اندیشه‌های واپس‌گرایی بر طبل بی‌عاری مکوبانید چرا که متضرر شوندگان این امر، تمام قد حاکمیت خواهد بود و بس.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

چهارم تیرماه یک هزار و چهارصد و دو

۱۴۰۲/۴/۴

برگرفته از مدیای اجتماعی

«زیستن در هیچ عصری هر چند ظلمانی، مسئولیت شخصی را رفع نمی‌کند.»
هانا آرنت

دانشگاه به‌جهت زمینه و محیط اندیشه‌ورزی، تولید اندیشه و تزریق آن به جامعه ماهیتی آوانگارد و پیشرو دارد که نمی‌تواند در برج عاج خود برکنار از مسائل حساس جامعه باشد.

مطالبه‌گری و اعتراضات دانشجویی در راستای همین کارکرد و مسئولیت است وگرنه حاکمیت در تمامی این سال‌ها به‌بهانه حفظ امنیت تلاش نموده با پدیده "زیردست‌سازی" هر نهاد و جریان اجتماعی خارج از گفتمان و ایدئولوژی خود را از هویت تهی کند تا بتواند در سیطره و کنترل خویش نگه دارد.

اتفاق اخیر در دانشگاه هنر، بار دیگر نشان داد، حاکمیت نمی‌خواهد جبهه خود را در تقابل با مردم عوض کند و از آن سو دانشجویان هم با علم به نقش خویش در جامعه به‌عنوان پرچمداران خیزش تحول‌خواهی دست از مطالبات خود نمی‌کشند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن رفتار غیرمستولانه و حرکت متحجرانه گروهی که نه درک درستی از فرهنگ دارند و نه هنر را به مثابه فرهنگ می‌بینند، به‌حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر اعلام می‌دارد، هر

آزادی و انسانیت همواره تحت پیگرد بوده است، تصویر روشنی از گنبدگی بساط سرکوب و جنایت حکومت را بدست می‌دهد. و طنز تاریخی اینست که چنین کیلی خود به خاطر دفاع از حقوق کارگر متهم به تبلیغ علیه نظام شده و زیر فشار مداوم قرار دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، ۴ تیر ۱۴۰۲

Shahla.daneshfar2@gmail.com

برگرفته از مدیای اجتماعی

محکومیت دو تن از بازنشستگان در اهواز

بنا بر خبری به نقل از فرزانه زیلابی از وکلای شناخته شده کارگران دو تن از بازنشستگان به نامهای بهرام گرگین و جمشید اسدی نیا بخاطر شرکت در اعتراضاتی که بازنشستگان بر سر خواسته‌ها و وضع بد معیشتی خود داشته‌اند، به یک سال حبس محکوم شدند. بعداً این مجازات حبس آنها به جزای نقدی معادل شش میلیون تومان تغییر کرد. برای سایر متهمان این پرونده، محمد علی برون، داریوش زراسوند، علیرضا اکبری بیرگانی و فرهاد راهدار حکم برائت از اتهام‌های انتسابی صادر شد. در رابطه با این احکام فرزانه زیلابی مینویسد: "این دادنامه طنز تلخی بود. طنز تلخ این دادنامه آنجاست که بازنشستگان از تورم و وضعیت طاقت فرسای معیشتی شان به تگ آمده‌اند و اما پاسخشان پرداخت جزای نقدی است که با باید پردازند یا باید به زندان بروند. بر کدام آیین و مسلک هستی که حق بازنشسته کهنسال را نمی‌دهید و کشان کشان به بازداشتگاه‌های امنیتی تان برده و حالا از نان بخور و نمیر سفره‌شان نمی‌گذرید؟"

طنز تلخ دیگر آنجاست که در متن دادنامه یکی از موکلان را برای خواندن "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در راه آزادی، مرگ بر این بندگی، مرگ بر این زندگی" به فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی محکوم کرده باشند.

محکومیت بازنشستگان معترض اوج بی‌دادگری و تعفن انزجار آور سیستم حاکم را بازتاب می‌دهد. فرزانه زیلابی این وکیل محبوب کارگران که خود بخاطر دفاع از

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW
JUNE 20, THE GLOBAL DAY OF SUPPORT FOR
POLITICAL PRISONERS IN IRAN

ARASH JOHARI REZA SHAHABI HASAN SAEDI HASRIN JAVADI MLAD RABEI ABBAS DEHS ABOLPAZI GHASALI
ASAD MEYFANI PEYMAN SALEHI NAHDI TAOHBI DAVIDO RAZAVI KEYVAN BOWHADI BEHRAN RAJOF SEPIDEH GHOLIAN
FARHAD NAVAY RASOOL BOGASHI JAFAR EBRAHIMI ESMAIL ABDI MEHDI FATHI OMID SHAHMOHAMMADI ANOSHI ADELI
NAHO SHERRIHO BANESHOU MOJIBI POUR HOSEIN WAKAZIPOUR ZAHAB HANRANI SAZI OZHAKHAKHOSI HASAN AMIRZADEGAN HANDEH KHAFER

FATEMEH TAQRIBI NAHO FATHALIAN MARYAM JALAL HOSEIN FARZANEH NAZERAN POUR JACQUES PARIS CECILE KOHLER

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اسامی برخی از فعالین کارگری زندانی: حسن ظریفی، ارشد جوهری، رضا شهبازی، حسن سعیدی، نسرين جوادى، عباس دريس، اسد مفتاحى، پیمان سالم، ناهید تقوی، داوود رضوی، کیوان مهنکی، مهراڻ رنوف، سیده لیلیان، ابوالفضل غسانی، فرهاد نویسی (کودک کار و دانش آموز ۱۶ ساله)، سمیعی کوزل، ژاک پاری (و معلم فرانسوی)

اسامی برخی از معلمان زندانی: محمد حبیبی، رسول بدایق، جعفر ابراهیمی، اسماعیل عیدی، مهدی فتحی، انوش عدلانی، ناهید شیرپیشه، محمود صدیقی پور، غلامرضا اصغری، هاشم خواستار، زینب همرنگ، عزیز قاسم زاده، اصغر امیرزادگان، حسین رضمنشور، فاطمه تهریس، ناهید فتحعلیان، مریم جلال حسینی، فرزانه ناظران پور

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO



بیانیه جمعی از فعالین جنبش زنان در حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر در برابر حجاب اجباری



خدیدجه مهدی پور (فعال سیاسی)، ندا میرزالو (فعال حقوق زنان و فعال حقوق بشر)، رشیلان میرزایی (فعال حقوق زنان)، میترا میرزایی (از فعالان و بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی)، پوران ناظمی (فعال حقوق زنان و از امضا کنندگان بیانیه زنان برای استعفای خامنه‌ای)، مهشید ناظمی (فعال حقوق زنان)، مجتبی نایری (روزنامه نگار و زندانی سیاسی سابق) برگرفته از مدیای اجتماعی

در حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر در برابر حجاب اجباری

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

ما کارگران پروژه ای نفت در کنار دانشجویان دانشگاه هنر ایستاده و به صف همستگی و اتحاد علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی می پیوندیم و همصدا میگوییم "نه". این دانشجویان، مهسا و مهساها که بخاطر حجاب به قتل رسیدند فرزندان ما هستند. خشونت علیه زن و فشار حکومت برای بازگرداندن حجاب بر سر زنان حمله به ما کارگران و ما مردم و حمله به خیزش زن زندگی آزادی است. ما بارها فریاد زده ایم که تا کی خشونت علیه زن و زورگویی بر سر حجاب و در لوای آن تحمیل گرسنگی و بی تاملی بر کل جامعه؟ ما همه اینها را تجربه کرده ایم و دیگر این سرکوبگریها را بر نمی تائیم. ما قاطعانه از اعتراضات دانشجویان هنر و دانشجویان در دانشگاهها حمایت کرده و با تحمیل حجاب و پوشش اجباری به زنان مخالفیم. از نظر ما اینکه زنان و همه مردم حق داشته باشند پوشش خود را هرچور میخواهند انتخاب کنند، یک حق ساده و بدیهی و حداقل همه آنهاست. ما اتحاد و همستگی همه کارگران و مردم معترض در برابر این تحمیلها را یک پاسخ درخور در برابر این تعرضات می دانیم. جواب این تحمیلها همانست که تاکنون زنان انجام داده اند و آن بی حجابی سراسری است. اعتراض حق مسلم ما کارگران و ما همه مردمی است که به ستم و ظلم و بساط سرکوبگرانه ای که ۴۴ سال است بر ما روا میشود اعتراض داریم. ما دیگر حاضر به ادامه تحمل این بردگی و بیحقوقیها نیستیم. ما کارگران نفت هشدار میدهیم که در صورتیکه سرکوب زنان تحت لوای حجاب و تعرض به دانشگاهها ادامه یابد، تا وقتی که به اذیت و آزار زنان بخاطر حجاب پایان داده نشود، تا وقتی که به بازداشتها و سرکوبگریها پایان داده نشود، و سرکوب مردم پایان نیابد، ساکت نخواهیم ماند و همصدا با همه مردم ما نیز دست به اعتراضات علنی و گسترده خواهیم زد و کار را تعطیل خواهیم کرد.

پیام ما کارگران و ما مردم را بشنوید.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۵ تیر ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

درد بر دانشجویان دانشگاه هنر تهران که با همبستگی و مقاومت جمعی، مقابل طرح حجاب و عفاف ایستادگی کرده اند و به مقنعه اجباری و به آپارتاید جنسیتی "نه" گفتند. این ایستادگی و مقاومت، برای محافظت از خاخریز فتح شده ای بنام "حجاب" است که به یمن "انقلاب زن زندگی آزادی" و ثمره بیش از چهار دهه مبارزه بی وقفه علیه حجاب و قوانین اسلامی، به میزان قابل توجهی از دست حکومت اسلامی خارج شد.

دانشجویان دانشگاه هنر با تحصن اعتراضی خود و مقاومت در برابر نیروهای سرکوبگر اجازه ندادند تا حکومت زن ستیز اسلامی، به ارزشهای انقلاب جاری که رهایی زن، زندگی و آزادی را به ارمان می آورد، دست درازی کند. این دانشجویان بار دیگر نشان دادند که دانشگاه سنگر آزادی و برابری، پایگاه مدرنیسم و سکولاریسم، و همچنان کانون داغ انقلاب جاری است و در عرصه مبارزه با حجاب اجباری، پرچم اعتراض را با تمام قوا بالا نگه داشته است.

حکومت اسلامی باید بداند که با پیاده سازی طرح های حجاب و عفاف در دانشگاهها، نه تنها نمیتواند بیحجابی سراسری را مهار و انقلاب زنانه را خاموش کند، بلکه در متن انقلاب جاری، این طرح ها به تشدید و عمیق تر شدن جدال بین دانشجویان و کلیت جامعه با جمهوری اسلامی با کیفیت انقلابی منجر شده و اتفاقا خشم و اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر تهران و همسنگران آنها در دانشگاههای سراسر کشور و همپیمانان آنها در کل جامعه را به نیروی هر چه بیشتر برای پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی، تبدیل می کند.

ما جمعی از فعالین حقوق زن و مدافعین انقلاب زن زندگی آزادی، ضمن حمایت قاطعانه از دانشجویان دانشگاه هنر، اعلام می داریم که عرصه مبارزه با حجاب اجباری، همچنان یکی از مهمترین عرصه های مبارزه با حکومت آپارتاید جنسیتی است و تاکید داریم که علیه حجاب و ستم جنسیتی، همه باهم هستیم. ما "نه" دانشجویان دانشگاه هنر را "نه" کل جامعه به کلیت جمهوری اسلامی می دانیم و عموم جامعه را به حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر تهران و تمامی دانشجویان فرامی خوانیم.

نه به حجاب و عفاف، نه به جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

یکشنبه ۴ تیر ۱۴۰۲

امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا - لیست اول:

یاسمن آریایی (فعال مدنی و حقوق زنان)، رها احمدی (مدافع حقوق زنان و کودکان، سوری بابای چگینی (از فعالان کارزار حجاب بی حجاب)، کودک بداعی پگاه (فعال صنفی معلمان)، اعظم بهرامی (فعال حقوق زنان و محیط زیست)، بنفشه جمالی (فعال حقوق زنان)، رضوان خان بیگی (زندانی سیاسی سابق و فعال مدنی، فاطمه داوند (فعال حقوق زنان و از بازداشت شدگان آبان ۹۸)، آزاده دواجی (فعال حقوق زنان)، فرشته دیدنی (فعال حقوق زنان)، فاطمه رستمی (از فعالان و بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی)، زهرا زارع سراجی (فعال سیاسی)، الناز سربر (فعال حقوق زنان)، سارا سیاهپور (فعال صنفی معلمان)، شاپرک شجری زاده (فعال حقوق زنان)، شیرین شمس (از مسئولین تشکل انقلاب زنانه)، نسیم شمسانی (فعال حقوق زنان)، نرگس ظریفیان (فعال حقوق زنان)، منیره عربشاهی (زندانی سیاسی سابق، فعال مدنی و مخالف حجاب اجباری)، علی قلی (فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق)، مژگان کشاورز (فعال حقوق زنان)، رادا مردانی (فعال جنبش معلمان)، فرنگیس مظلوم (زندانی سیاسی سابق، مادر سهیل عربی)،

